

اشاره  
 حکمت در سال ۱۳۳۴ در یک  
 مشاوره کشاورزی و باغبانی از  
 دوستان شهر سلطان گنبد در جنوب  
 خراسان به مناسبت پذیرش علاءالدین کار  
 کشاورزی از صنایع زیادی سرپرست که  
 بعدها روستا و حتی بزرگ ترها را  
 قرآن نامی در خانه هم معلم قرآن  
 بود. بنابراین خیلی پیش از آن که به  
 مدرسه بروم قرآن را یاد گرفته و  
 جوتهای توفیق فارسی را نیز آنطور  
 که بر آن زمان مرسوم بود در خانه  
 آموخت. دوره دبستان را در همان روستا  
 گذراندم. تحت تاثیر برادر بزرگ ترش که  
 در جنگ روحانیت در آمده بود وی نیز  
 در سال ۱۳۳۲ به حوزه علمیه مشهد  
 رفت و کمترین در آنجا در حق خوانده شد  
 به حوزه علمیه نجف رفتم. هر آنجا  
 مشغول تحصیل شد. هنگامی که مرحوم  
 امام از ترکیه به نجف تبعید شد، وی از  
 مسئولین و هواداران امام قرار گرفت.  
 در سال ۱۳۳۸ از طریق گویت به مکه  
 حکومه مشرف شد. در آنجا برای  
 اولین بار با مرحوم دکتر فاضل و پدر  
 ایشان استاد محمد تقی شریعتی آشنا  
 شدم. در سال ۱۳۳۹ عراق اخراج شد  
 به ایران آمد.

بسیاری از روحانیان و آشنایان وی که  
 بعد از انقلاب به ایران آمدند بودند و  
 مجدداً مهاجرت کردند از ایران رفتند  
 وی را تحت فشار قرار می دادند که  
 دوباره به اروپا بازگردد و او ترجیح  
 می داد به عنوان یک شهروند معمولی در  
 فضای ایران حضور داشته باشد و کار  
 کند. با وجود زمینه های مساعد و  
 آماده ای که برای او وجود داشت، هیچ  
 پشت دویی و انبساطی نکرد. مدتی در بناد  
 تاریخ انقلاب اسلامی ایران به عنوان  
 سردبیر فصل نامه «آباد» با آقای  
 معادپور کار کرد. از سال ۱۳۶۵ به  
 مطالعه و تحقیق در زمینه مسائل که  
 مورد علاقه من بود و پیش از همه تاریخ  
 ادیان و تاریخ ایران پرداخت.

در سال ۱۳۷۶ در شروع کار دولت  
 اصلاحات در هنگام انتشار روزنامه  
 خرداد به دعوت آقای عبدالله نوری  
 به عنوان مشاور مطبوعاتی ایشان. با به  
 قول خولان خبره و حلال، شورای  
 سردبیری با مدیریت مسئول گردید.  
 در آن زمان پدیده «تورم» زیر نظر  
 شدایی بر روی می که اظهارش عبارت  
 بودند از آقایان سعید اولاد، بهروز  
 گرانپایو و محمد علی ایزدی نبط آبادی  
 اداره شود. اما در نهایت، شورای  
 سردبیری سازمان تعطیل و حتی  
 حکمت به عنوان سردبیر روزنامه خرداد  
 مشغول به کار شد. حکمت می گوید:  
 چندیان محرمه ایام گرامه به جریان  
 تنها آقایان مالی و فریبت خواه را به  
 تحریریه اضافه کردم

عراقی جناب آقای...  
 سخنرانی شما را در حسینیه ارشد به  
 جنابیت شهادت ابوحنزله (ع) در مشهد  
 به دقت شنیدم. مطالب و نظریات جلالتی  
 مطرح کردید و من متعجبانه به دلیل وقت  
 کمی که داشتم نتوانشدم همه مطالب  
 را بگویم. به همین مناسبت نظریات  
 چشم انداز ایران از شما دعوت کردم که  
 آنچه می خواهید کامل بگوید تا آخرین  
 شماره چشم انداز ایران درج شود.  
 یکستان اول از جنگ عراق نیز مطالبات  
 کلیدی آمریکا مثل (Foreign Affairs)  
 و (Foreign Policy)، مقوله ای را مطرح  
 می کردند، به نام «ملت سازی» یا  
 حکومت سازی (Nation Building) و به  
 مواردی مثل ژاپن، آلمان و کوزوو اشاره  
 می کردند، اما منظور اصلی شان عراق  
 بود و قصد اشغال آن را داشتند. آنان  
 می خواستند به تدریج فرهنگ را عوض  
 کنند و با آن فرهنگ جدید اصطلاحاتی راه  
 بیندازند و مسئله اشغال به فراموشی  
 سپرده شود و سپس بگویند که حق و  
 حقوق این ملت مشمول مرور زمان  
 می شود این یک امر نظام مند راهبردی  
 در آمریکا است. قضیه فلسطین هم

# عرفات؛ هستیم و مقاومت می کنیم



عراقی جناب آقای...  
 سخنرانی شما را در حسینیه ارشد به  
 جنابیت شهادت ابوحنزله (ع) در مشهد  
 به دقت شنیدم. مطالب و نظریات جلالتی  
 مطرح کردید و من متعجبانه به دلیل وقت  
 کمی که داشتم نتوانشدم همه مطالب  
 را بگویم. به همین مناسبت نظریات  
 چشم انداز ایران از شما دعوت کردم که  
 آنچه می خواهید کامل بگوید تا آخرین  
 شماره چشم انداز ایران درج شود.  
 یکستان اول از جنگ عراق نیز مطالبات  
 کلیدی آمریکا مثل (Foreign Affairs)  
 و (Foreign Policy)، مقوله ای را مطرح

عراقی جناب آقای...  
 سخنرانی شما را در حسینیه ارشد به  
 جنابیت شهادت ابوحنزله (ع) در مشهد  
 به دقت شنیدم. مطالب و نظریات جلالتی  
 مطرح کردید و من متعجبانه به دلیل وقت  
 کمی که داشتم نتوانشدم همه مطالب  
 را بگویم. به همین مناسبت نظریات  
 چشم انداز ایران از شما دعوت کردم که  
 آنچه می خواهید کامل بگوید تا آخرین  
 شماره چشم انداز ایران درج شود.  
 یکستان اول از جنگ عراق نیز مطالبات  
 کلیدی آمریکا مثل (Foreign Affairs)  
 و (Foreign Policy)، مقوله ای را مطرح







یهودی ملی حاکم است.

همه برای یهودی ملی بوسی هم نه...  
● شما من دانید ما در اسرائیل یهودی شرقی و یهودی غربی داریم. اینکنازم تاریخ و سفارتیه شهرندان درجه سه هم داریم که فلاطیه هستند یهودی های که در این زمین ایستادند بین یهودی های شرقی و یهودی های غربی تفاوت است. حکومت از روز اول منظور غالب در اختیار یهودی های غربی بودندست. یهودی های شرقی همیشه در جاشیه بوفماند و در جاشیه ای که مبنی بر تقسیم فلسطین بود بین یهودی غربی و یهودی شرقی و یهودی حبشی هستست. جهت از دموکراسی کردن بیشعربه یک شوشن شباهت دارد. بنابراین در اسرائیل آزادی و دموکراسی هست ولی برای یهودی های غربی که بیشتر یهودی های حاکم هستند. فلسطین را این اشغال دگر جزیه شد. تشکیل دولت اسرائیل و فلسطین را تقسیم کرد در سال ۱۹۴۸ بعد از آن که دولت اسرائیل توسط انگلستان و همکاری لایب جمهوری نیستی در امریکا و اروپا و هندوستی ارتجاع منطقه که اغلب دست نشانندگان حکومت های آخرین بودند تشکیل شد. مقاومت در بین مردم فلسطین هم شروع شد یعنی شما همزمان با اشغالگری مقاومت را من ببینید. طبیعت ترین مقاومت در طول تاریخ بشر، مقاومت در مقابل اشغال بوده یعنی مقاومتی که نه احتیاج به فتوا و نه احتیاج به متن دین دارد. شما احتیاج به نص قرآن و نه احتیاج به حدیث و روایت دارد هر جا که یک ملتی در طول تاریخ تحت اشغال قرار گرفته اند اشغالگری را رد کرده اند و در مقابل آن مقاومت کرده اند و مشروع ترین حق طبیعی هر فردی هم مقاومت در مقابل اشغالگری بوده است. هر متون دینی هم البته اگر کسی در راه دفاع از خاکش مقاومت کند و کشته شود شهید نیست این فقط در متون دینی دیده شده این جزو جنگی های مورد

قبول همه است. در طول تاریخ بشریت و در تمام اقیانوس ها و فرهنگها مقابله با اشغال و مقاومت در مقابل اشغالگر را یک ایر مسلمین و مطلوب می دانند.  
● شما باید این مقاومت طبیعی هیچ گونه رهبری نداشته و از آغاز خود جوش و فریاد برود.  
● به طول طبیعی عمومیت نداشته اولین گروه های مقاومت که در فلسطین تشکیل شد مربوط به مرحوم عزالدین قسام بود. گروه های دیگری تحت رهبری مفتی فلسطین مرحوم حاج امین الحسینی شروع به فعالیت کردند. کششی هم بودند که اینجا و آنجا گروه های کوچک تشکیل می دادند و علیه اشغالگری مقاومت می کردند. امام جواد و دیوبند این گروه ها در قلمرو قمالتشان بود و هیچکس به قلیل این که اغلب این گروه های مقاومت به نوعی جهت گیری و جهت نفوذ بعضی از کشورهای پیرامونی بودند و خود آن کشورها نیز در پشت پرده گاهی با اسرائیل و سردان غرب که به از خود جادو کرد اسرائیل بودند ارتباط داشتند. اقای احمد شهبوری اولین رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین است که در ۱۹۳۴ موجودیت آن اعلام شد. خود آقای احمد شهبوری هم استعفا را بر این قاعده نیست یعنی خودش هم به نحوی از اینجا بیرون و اینستگنی نیست که کار کنید. البته بیشتر و بیشتر است. به چنگال میندازد هر چه...  
● بله اما ناموا شخصیت بزرگی بوده و نیست کم در امر آزادی فلسطین شوشن ایناشهیدو مخلصانه عمل کرد. امامن فکر من کنم که مسئله استقلال یک جنبش خیلی مهم است. وقتی یک جنبشی می تواند موفق باشد که ریشه در عمق ملت خودکش داشته باشد. وابستگی به قدرت های خارجی حتی اگر موافق باشند می تواند در نهایت اینجا و آنجا متضمن مخاطراتی باشد. شاید

باید که...  
● در سال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل پایه گذاری شد. غیر از این تنها مقاومت های پراکنده ای می بینید چیزی جاری وجود ندارد. بیانی نر بلین افعال و نامیدی کل منطقه را گرفته و هر کس دمیست به اسلحه می برد اما به صورت فردی یا گروهی سرکوب می شود و از بین می رود. در سال ۱۹۵۶ قضیه کفالی بیچاره اتفاق افتاد که گروهی از فلسطینیان در کفالی بیچاره با یکدیگر همکاری کردند و در کفالی بیچاره...  
● بله این اتفاق گرفته و کمتر با تهنای برانست عین می باشد که توری می کند و از مرکز بیرونی بیرون می آید. در حقیقت مسئله نکاتال سرور و مقاومت دالیزله و شجاعانه ای که در ۱۹۵۶ از سوی دولت جبرائیل در مقابل این استة فدریم بزرگ که در مقابل به طرایی نیرومندتر از دولت مصر بودند به دلیل جالبی که دولت مصر در قضیه داشت بیرونی شد. این روزی به نظر من نقطه عطفی است که به شمار قابل تامل است. بعد از بیرون رفتن در کتال بیچاره در سال ۱۹۵۶ یکی از اشکال آن بر این نیست که اینها را به خصوص با خارجیها و فلسطینیین به وجود آمد که اگر با وجود جهانیته اراد و عزیمت باشد و کارن را به صورت دقیق و فرقت انجام پذیرد سوختی را برآورد تا خود را کفالی سوزد برای مردم منتقدان و تگسار بود. جنبه ای او جمال حیدرنا صرا نقل من کنه ای او بر میآید که شما اصلاً تصور به خود را اجازه داری که بداین صورت سواره مسئله کتال بیچاره شود؟ گفته بود من این را پورده یا از دکتر فامین و بر روزه دولت دکتر مندی گرفته ام. دکتر فامین گفته بود که ما تصور می کردیم این اروپاییان جاسو



اینست که...  
● در سال ۱۹۵۶...  
● بله این اتفاق گرفته و کمتر با تهنای برانست عین می باشد که توری می کند و از مرکز بیرونی بیرون می آید. در حقیقت مسئله نکاتال سرور و مقاومت دالیزله و شجاعانه ای که در ۱۹۵۶ از سوی دولت جبرائیل در مقابل این استة فدریم بزرگ که در مقابل به طرایی نیرومندتر از دولت مصر بودند به دلیل جالبی که دولت مصر در قضیه داشت بیرونی شد. این روزی به نظر من نقطه عطفی است که به شمار قابل تامل است. بعد از بیرون رفتن در کتال بیچاره در سال ۱۹۵۶ یکی از اشکال آن بر این نیست که اینها را به خصوص با خارجیها و فلسطینیین به وجود آمد که اگر با وجود جهانیته اراد و عزیمت باشد و کارن را به صورت دقیق و فرقت انجام پذیرد سوختی را برآورد تا خود را کفالی سوزد برای مردم منتقدان و تگسار بود. جنبه ای او جمال حیدرنا صرا نقل من کنه ای او بر میآید که شما اصلاً تصور به خود را اجازه داری که بداین صورت سواره مسئله کتال بیچاره شود؟ گفته بود من این را پورده یا از دکتر فامین و بر روزه دولت دکتر مندی گرفته ام. دکتر فامین گفته بود که ما تصور می کردیم این اروپاییان جاسو



مشکل می توان جایی پیدا کرد که کسی با عرفات، یا سیاست های عرفات و یا سیاست های سازمان آزادیبخش مخالفت کرده باشد و محکومیت پیدا کرده باشد. بر مقاطع تاریخی متعددی حماسی یا جهاد اسلامی یا پویش از اینها، جبهه آزادیبخش به رهبری دکتر جورج حبش یا جبهه خلق برای آزادی فلسطین یا جبهه دموکراتیک به رهبری آقای نایف جواتمه یا گروه آقای احمد جبرئیل در مواردی با مواضع عرفات اختلاف پیدا می کردند، از آن جمع بیرون می آمدند و ابراز مخالفت می کردند، به وسیله نظریاتشان و به وسیله رادیوی محلی. اگر داشتند، علیه تز رهبران الفتح تبلیغ و تحلیل می کردند، اما هیچ وقت از مجموعه سازمان آزادیبخش فلسطین طرد نمی شدند. عضو سازمان آزادیبخش فلسطین می ماندند، ولی به عنوان مخالف ابراز عقیده و اظهار نظر می کردند و بعد از اظهار نظر و ابراز عقیده شان هم آزادی داشتند.

غریب ها خیلی آدم های بزرگی اند. بعدها متوجه شدیم که در طول تاریخ ما احداث نکرده اند که در مقابل فرنگی یا کمر خمیده حضور پیدا کنیم و زندگی کنیم. ما هم باور کرده بودیم که این قد خمیدگی، قضا و قدر و سرنوشت ماست. نمی دانستیم که اگر اراده کنیم می توانیم کمربان را راست کنیم. وقتی قدامان را راست کردیم دیدیم هیچ تفاوتی با غریب ها نداریم بلکه ما هم قد و قواره آنها هستیم. ناصر می گوید که این حرف دکتر فاطمی در بین خیلی دایره گذاشته. بنابراین گفتیم که اگر کمال سوزن مثل ماست و ما عصب خلق هستیم چرا نتوانیم با حاکمیتی که داریم علیه اشغالگران و متجاوزان بجنگیم؟ اینجا این نقطه عطفی است برای نهنگان فلسطین. آیا رهبران فلسطینی چاره به این آلتی بگیری اشاره کرده اند؟ مرکز پژوهش های فلسطین به نام «شئون فلسطینی» به صورت جسته و گریخته این مطالب را آورده است و تعدادی از نظریه پردازان فلسطین فلسطین به این قضیه اشاره کرده اند. چندین و چند سال بعد از این خیداده در ۱۹۷۲ سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری احمد شقیری شکل می گیرد. درحقیقت برنامه این سازمان در کنفرانسی سران عرب تشکیل گرفته چرا که بسیاری از گروه های فلسطینی به صورت پراکنده عملیات فدائی انجام می دادند و گاهی این عملیات منجر به کشتن سربازهای اسرائیلی می شد. سازمان آزادیبخش فلسطین که برخاسته از آن کنفرانسی بود به این خاطر تشکیل شد که فلسطینی ها را به نحوی مهار کنند، یعنی اجازه ندهند که از کشورهای عربی همجواری اسرائیل عملیات چریکی خود را انجام دهند. وقتی سازمان چریکی الفتح در اول ژانویه ۱۹۶۵ با وجود آمدن اولین عملیات چریکی اش را انجام داد تعداد کسانی که جنبش الفتح را تشکیل دادند از تعداد انگشتان خود دستها تجاوز نمی کرد ولی بسیار آدم های برجسته

و نایب بودند. یکی از آنان شهید خلیل الوزیر یا ابو جهاد بود. دیگر از بنیان گذاران اولیه الفتح ابو یوسف بود. ابو جهاد قبل از این که عضو بنیادگذار جنبش الفتح باشد چندین و چند عملیات چریکی را انجام داده بود. مرحوم ابو جهاد همیشه در جنبش اخوان المسلمین و عملیات اخوان داشت. مرحوم ناصر عرفات ابو جهاد سال ها در فلسطین و در زمان فاطمی فعالیت گسترده داشت. او رئیس فدراسیون دانشجوین فلسطین در قاهره بود. به دلیل فعالیت های سیاسی منتهی به زمان فتنه تبعید شد و در مجموع شخصیت هایی که جنبش الفتح را تشکیل دادند آدم هایی بودند. بعد از آنکه به مبارزه مسلحانه برای آزادی فلسطین پرداختند. در آن زمان که در فلسطین بودیم که در حقیقت این جامعه عظیمی بر ما پدید می آید. این جامعه ایجاب می کند که ما به عنوان مسلمانان و یهودی ها مسیحی ها و... سالان سال در طول تاریخ با هم در فلسطین زندگی می کردیم و با هم می توانستیم در کنار هم زندگی کنیم. در زمانی که دولت دلیلی یهودی نیست بر این آموزه است که «نحن شعب الله المختار» و یک نوع خود بزرگی نیست. این یهودی ها در طول تاریخ وجود داشته که الان هم در اسرائیل هست. صهیونیسم یعنی بر این تفکر است. جمال عبدالناصر از آنجا که دستگام های اطلاعاتی امنیتی اش به او اطلاع داده بودند آنها را جوان های داتام چریکی می نامید که رگ و ریشه اخوان دارند و به دلیل درگیری هایش با اخوان ها یهودی خوشی نشان نداد. روزنامه نگار معروف مصری، حسین خلیفان به دلیل آشنایی و ارتباط نزدیکی که با عرفات داشت به ناصر گفت که در رابطه با الفتح و در رابطه با محمد عبدالقادر عودة یا ناصر عرفات در

اشتباه است. آنان عضو اخوان المسلمین نیستند. بلکه مسلمانانند ولی نمی خواهند دولت اسلامی تشکیل بدهند. آدم های دگم و متصب نیستند و می خواهند علیه افسالگری و متجاوزین بجنگند. نخستین بار وقتی ناصر با عرفات ملاقات کرد و در این ملاقات آقای هیکل هم حضور داشته خیلی جنبش عرفات شد و به عرفات پیشنهاد کرد که در سفر آینده اش به مسکو او را نیز همراه خواهد بود. وی در یک سفر، به عنوان دکتر محمد همراه ناصر به صورت مجرمانه به مسکو رفت. به این ترتیب رابطه های بین مصر و جمال عبدالناصر و سازمان الفتح شکل گرفت اما باس عرفات و دوستانش معتقد بودند که باید به سازماندهی و گسترش تشکیلاتشان ادامه بدهند. بین سال های ۱۹۶۵ و ژوئن ۶۷ عملیات چریکی به صورت فزاینده ای وجود داشت. یکی از اهداف و امیدهای بزرگ ناصر در زندگی اش این بود که به اشغالگری اسرائیل در یک جنگ گسترده و همه جانبه پایان بدهد و برای این کار ملت ها بود که برنامه ریزی می کرد. برنامه های بسیار سنگین، بر هزینه و طاقت فرسا. دستگام های امنیتی اسرائیل و آمریکا این قضیه را می دانستند و به شدت تحت نظر داشتند. وقتی که فهمیدند آغاز عملیات نزدیک است پیش دستی کردند و به صورت برق آسایی به بخش های زیادی از صحرای سینه جولان بخشی از جنوب لبنان واردن حمله کردند و آنجا را گرفتند و بخش های اشغالی که در سال ۱۹۶۸ جزو اسرائیل نبود به آن ضمیمه کردند. من جنگ ۱۹۶۷ را شکست رژیم ها و ارتش های عرب و حتی شکست ناسیونالیسم عربی می دانم. جنگ شش روزه یا جنگ ژوئن ۶۷ خط پایانی بود بر این تصویر یا این دکترین که می شود با جنگ نظامی و کلاسیک علیه اسرائیل کاری صورت داد. این تفکر شکست خورد. همراه با شکست ارتش و رژیم های عرب این



ذخیرت فوریاره لوج گرفت که هیچ راهی برای مبارزه با اشغالگری و برای نفس و حلقه میهنیسم جز عملیات فدایی وجود ندارد. نقطه عطف دوم جنگ یون ۱۹۶۷ بود که این ولایت فتح ملموس و محسوس شد. که برای آزادی فلسطین و برای مبارزه با اشغالگری باید مرد و مردانه وارد عرصه شد و با قیام مسلحانه و مبارزه قهرآمیز علیه این پهنه اشغالگر جنگید. بنابراین می بیند که خیلی از روشنفکران عربی و فلسطینی که پیش از داشت اظهار تمسلی و شبستگن می کردند آقای دکتر جورج جیش که حزب قوس عربی را بنام وجود آورده بود و با چند نفر از همکارانش دست از حزب گرایی شان بر می دارند و حزبشان را تبدیل به جبهه خلق برای آزادی فلسطین می کنند و رو به مبارزه مسلحانه می آورند. جبهه هموکرانیک خلق زیر نظر آقای فایقه حاتم و گروه های دیگر شروع به فعالیت کردند. عملیات چریکی بعد از شکست ارتش های عرب در ۱۹۶۷ یا توجه خاصی در بین ملت عرب و فلسطین استقبال می شد و خورد نصیب و نصیب قرار می گرفت. بعد از شکست ارتش های عرب در جنگ ژوئن در سال ۱۹۶۸، جنگ کرامه اتفاق افتاد که فلسطینی ها علیه ارتش سر تا با متابع اسرائیل وارد جنگ شدند و اولین اسرائیلی که تمام ارتش های نیرومند و باوقورت عربی را شکست داده بود در مقابل یک گروه کوچک پارتیزان شکست خورد و مجبور به عقب نشینی شد. به نظر من نقطه عطف سوم، جنگ کرامه است. جنگ کرامه بزرگترین تأثیر را در نشو و نما گسترش و بسط انقلاب فلسطین داشته است. گرایش نیروهای فلسطینی به عملیات فدایی یا جنگ چریکی بعد از پیروزی چشمگیر فلسطینی ها در جنگ کرامه خیلی شتاب گرفت و امیدواری ملت و مبارزان فلسطینی به این که فلسطینی ها به تنهایی و بدون داشتن

ارتش کلاسیک می توانند با اسرائیل بجنگند و مبارزه کنند و اسرائیلی را محکوم به شکست کنند روز به روز لوج می گرفت. **آیا می شود گفت آنان تلاطم دار مقاومتی است. حرب هم شدنی است.** **بله دقیقاً همین طور است. در اینجا یک مسئله ای به وجود می آید.**

قلعه را فتح کردند و فلسطینی ها را در شهری در نزدیکی حاصیل به نام زولفا ندیم از برای مبارزه حجاج از ولایت حاصیل از حاصیل شمالی سمونی به عراق بر می گشتند و با هم به اردن می آمدند و از اردن به عراق می رفتند. یکی از شب های دیگر در شهر زولفا با چشم دیدیم که ولقاء هر چندندگی به صورت وحشتناکی هدف قرار می گرفتند آنها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

● به هر حال در یون چنین فلسطینی بسیاری از افراد بودند که در چارچوب فرستی عمل نمی کردند. انقلاب فلسطین مثل هر انقلاب دیگری یک سری نیروهای اسرائیلی و رادیکالی داشت که این عملیات افراطی همواره دستمک و دستاو بر می می شود برای سرکوب آن نیروهای اصلی و حلقه فلسطینی در پیش فلسطینی بدنه اصلی انقلاب مبارزه علیه اسرائیلی و اشغالگری بود. یک سری از نیروهای رادیکال تندرو و افراطگرا ذهنیت هایی را از استالینیزم گرفته بودند می خواستند این ذهنیت ها را با فلسطینی مبارزانشان کنند و این امر بهانه به دست ارتجاع عرب داد که بتواند فلسطینی ها را سرکوب کنند. اما مهم این است که دولت مراکش همین هم می دانست که در اینجا فقط نمایندگانی اداری بود و افراطگرا یا از یون نمی بود کاری که فرقه الق باطل فلسطینی ها بود و مبارزه علیه انقلابیون فلسطینی و گرفته دستگیری بودند آدم افراطی و تندرو برای ملک حسین و اولادش و دستگاه های امنیتی و جاسوسی اش کارمندی می بود. حتی می توانستند خود فلسطینی ها بخواند که آنها را بهار کنند و نیاز به آن سلاحی و کشتار و پشتیبانه نبود. اولین جنگ ارتش ملک حسین و نیروهای امنیتی شان علیه فلسطینی ها شروع شد و اوضاع به هم ریختند. بلافاصله بعد از آن کنفرانس افکاره برگزار شد در آن کنفرانس قله افکاره شروع است ولایتی که عبدالقاسم عرفات و ملک جمال را با هم دید که با هم دست به دست می دادند و یکدیگر را می دیدند. چاره ای هم به ملک حسین گفت که کوشش کن تا دیگر از این اتفاقی بگذرد چون اتفاق نیفتد اگر بدانم که می خواهی آن راه را ادامه بدهی همین جا دستور می دهم که در این اتفاق محبوست کنند" و اشاره می کند به اتفاقی که در کنار ساختمان کنفرانس بوده. می دانید جمال عبدالناصر بعد از این

صرفه این که کسی فلسطینی مبارزه چریکی آدم عالی عقیب مهاجر اولده یا با هم می بود و روی حلقه می کردند. البته اینها بعد از کشته شدن فلسطینی آواره می شوند که یک شب روی هم از جانب ما به صورت گرفته بود نیست هزار شهرت ما هم ما که همزمان مبارزه با اسرائیل بوده در اینجایی می خواستیم ملک حسین را سلف کنیم

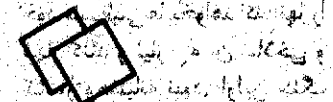
تا به حال فلسطینی ها با اسرائیلی درگیر بودند و اسرائیلی ها هم با مبارزان فلسطینی جنگ کرامه بعد دیگری هم داشت و آن این که خیلی از رژیم های عرب احساس خطر کردند. مسئله ای که در اینجا به وجود آمد این بود که از قیام عرب و ولاد کارزار علیه فلسطینی ها شد. در سپتامبر سال ۱۹۷۰ در اردن به من خود

قضیه دچار سکت شده و خیلی از فلسطینی ها منتقدند که مجموع عواملی که باعث سکت ناصر استعفیانه در قذافی بود که به او فشار آورد. در مقاله جدید ناصر که در شماره ۲۹ با کنفرانس قاهره چندان فاصله نداشت.

● دو کنفرانس قاهره تصمیم می گیرند که سازش مقاومت و فلسطینی ها از اردن نقل مکان کنند و به جنوب لبنان بروند و این یک پیروزی بزرگ برای مقاومت فلسطینی بود که البته از ضعف دولت مرکزی لبنان برای اجرای این تصمیم استفاده شد.

● برای اعراب هم پیروزی ای بود که آنها را از ایران به جنوب لبنان بفرستد.

● من تأیید که جنوب لبنان هم پیروز یا شمال اسرائیل است. تحلیلی فرین موسیسه های تولیدی و صنعتی اسرائیل که شمال اسرائیل ایستاد بنابراین برای فلسطینی ها هم فرصت خیلی خوبی پیش آمد که بتوانند ضمن انجام عملیات چریکی دولت اسرائیل را از شدت بحران فشار قرار دهند. پیروزمین رو جنوب لبنان بود به نام



**اکثریت اعضای پارلمان فلسطینی را نیروهای باخلی تشکیل می دهند و نیروهایی که در داخل**

**زیلفکی می کنند از وجود فلسطینی اشغالگری چه**

**مطلوبه آمده اند. به خاطر رای اکثریت آنها بود که در پارلمان فلسطین روند صلح به تصویب رسید**

فلسطینی ها در پارلمان فلسطین که در اریحا تشکیل شده است با رای اکثریت از روند صلح به تصویب رسید و این اقدام را به عنوان یک پیروزی بزرگ برای فلسطینی ها در نظر می گیرند.

سرزمین فتح که قبلیان فلسطینی در آنجا متمرکز بودند و پس از چندی از تمام کشورها به آنجا من آمدند از جمله خلیج از نیروهای ایرانی و حتی از کشورهای منطقه و کشورهای عربی اسلامی و حتی کشورهای اروپایی و آسیایی برای آموزش به آنجا می آمدند فلسطینی ها جداگانه تلاش را هم می کردند که در مسائل داخلی لبنان دخالت نکنند و فقط در صورتی که در لبنان مشکلاتی پیش می آید به آنجا می روند.

● در این مورد که اسرائیل می خواهد در لبنان دخالت کند و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

از زمین ها با اینها قاطعی شد. در حالی که با همکاری این مجرمین لبنان و فلسطینیان مهاجر به هفت ملی لبنان شکل گرفت. از آن طرف ارتش مصر بعد از شکست جنگ ژوئن تصمیم به یک تلافی درست و حسابی گرفته بود و برای جنگ رمضان که در اکتبر ۱۹۷۳ اتفاق افتاد برنامه ریزی کرد. ناصر برای این که بتواند شکست

● در جنگ رمضان روزی که در فلسطین رخ داد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

● اسرائیل می خواهد که فلسطینی ها را از لبنان بیرون ببرد و این را به عنوان یک تهدید در نظر می گیرد و می خواهد که اسرائیل را از آنجا بیرون ببرد و این را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرد.

ملک حسین. پادشاه اردن که با این قطعنامه ای مبارک کردند که در آن سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده رسمی فلسطینی ها به رسمیت شناخته می شد. و به جای مذاکرات مذاکره حرف سازمان آزادیبخش به عنوان حرف اصلی فلسطینی ها و نمایندگی از سوی همه آنان پذیرفته شد.

● محرم نفس اعراب هم آنجا لغو شد. ● بله در مجموع کنفرانس ریاض

تحریم نفتی را لغو کرد و پس از آن رفتن عرفات به سازمان ملل را مطرح نمود که به نظر من یک نقطه عطف دیگر است. دستکاری غربی که عرفات در میان ملل انجام می دهد و می گوید که ای دنیا ای مردم اینجا آمده ام در یک دستم شاخه زیتون و در دست دیگرم تفنگ قرار دارد.

● نگارید شاخه زیتون از دست یمن بیفتد نگارید نگارید نگارید قطعنامه ۲۴۲ چینی بر عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های اشغالی در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل است. در آنجا بحث بود که ۷۷٪ اراضی المحتلة اراضی مجتله می تواند بنا بر

اعضای اسرائیل بخشی از سرزمین های اشغالی هم باشد اسرائیل می گوید با عقب نشینی یمن از سرزمین اشغالی در جنگ شش روزه قضیه انجام گرفته است ولی اعراب این را کافی نمی دانستند در ۱۹۷۳ بعد از جنگ اکتبر و جنگ رمضان در قطعنامه ۲۴۲ هم باز همین قضیه مطرح است.

● فلسطینی ها قطعنامه ۲۴۲ قطعنامه ۲۴۸ و طرح راجرز و این که در قطعنامه ۲۴۲ و ۲۴۸ طرح راجرز موجودیت اسرائیل به رسمیت شناخته شده بود کسانی که

برویم مبارزه علیه اسرائیل و تعلق از انقلاب فلسطین را به دوش می کشیدند از جمله کشور ایران قطعنامه ۲۴۲ و ۲۴۸ را پذیرفته بودند به نظر من این نکته مهمی است

● به هر حال خیلی از کشورهای عربی که



به ظاهر دفاع از فلسطین و انقلابیون فلسطین می کردند به صورتی ضمنی موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته بودند. فلسطینی ها با خودشان و خاندانهای آنها مانده بودند. در ۱۹۷۳ وقتی که عرفات به سازمان ملل رفتند خیلی از کشورهای دنیا هم سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان تنها نماینده رسمی فلسطین های به رسمیت شناختند. این یک پیروزی شگرف برای فلسطینی ها بود. از سوی حضور فلسطینی ها در سازمان ملل هم نظری ملنسون و مچسوس پیدا کرده بود. لبرالیزم، صهیونیسم و ارتجاع متعلقه ملنسون خطر کردند احسان کردند که در کنار دولت صهیونیست فلسطین یک دولت قوی در سایه وجود دارد که روز به روز رشد می کند و شخصیت های برجسته ای در لبنان یا فلسطینی ها هم رای و عمل می شوند. یکی از آنها جمال جنبلاط و دیگری شخص بود به نام معروف سجد معروف اهل صیدا بود که ترووش کردند. من آن وقت ها از خوش آلتی خود سوسالی در لبنان بودم فلسطینی ها از موقعیت ممتازی برخوردار بودند و واقعا دولت اصلی لبنان تحت اشغال موجودیت فلسطین در لبنان قرار گرفته بود و این وضعیت شکننده ای را هم برای اسرائیل و هم برای ارتجاع عرب به وجود آورده بود. به ویژه که موقعیت چشمگیر برای فلسطینی ها در عرصه بین المللی به دست آمد بود. نخست رفتن عرفات به سازمان ملل بود که بناف به عنوان تنها نماینده فلسطینیان از سوی حدود دویست کشور در سازمان ملل شناخته شد علاوه بر این موقعیت دیگری نیز فلسطینی ها به دست آوردند بدان این بود که صهیونیسم را مساوی با راسیسم یا نژادپرستی شناختند و این هم از دستاوردهای بزرگ برای ملت فلسطین بود که بزرگترین سازمان جهانی یعنی سازمان ملل صهیونیسم را مساوی با

نژادپرستی شناختند. بطور این که فلسطینی ها در سازمان ملل را طراحی کردند. در آوریل ۱۹۷۸ اتیوپی در بیروت به آتش کشیده شد و این سرآغازی شد برای بواسطلاح جنگ لبنان ها و فلسطینی ها. فالانژهای لبنان، نیروهای کتاب با رهبری آقای پیر جمیل به عنوان پیشاهنگ و یوئل قراول استعمار در لبنان وارد جنگ شد صف آرایی ها در لبنان به سرعت انجام گرفت. نیروهای راست و مخالفه کلیم نیروهای طرفدار اسرائیل و غرب به رهبری پیر جمیل و حزب کتاب با فالانژهای لبنان و حزب کلمیل شمعون یا لبرال ها و تعدادی از گروه های کوچک و بزرگ در آن سو بودند و دو سوی دیگر نیروهای لبنانی که شامل ناصریست ها، نیروهای دروزی به ریاست جمال جنبلاط بودند. نیروها حزب ها و سازمان های بودند که مشیعی اواسلمان در آن وجود داشتند. بعدها حرکت الملنسون و لوزلی آن سازمان اصل به رهبری امام موسی صدر نیز به وجود آمد. اینها در لبنان در مقابل هم صف آرایی کردند. به طور طبیعی نهضت ملی لبنان به دفاع از فلسطینی ها و دفاع از حق و حقوق خودشان برخاست و نیروهای راست به رهبری پیر جمیل و کلمیل شمعون علیه اینها می جنگیدند. اما هدف اصلی پیر جمیل و فالانژها و نیروهای راست کشتن فلسطینی ها به جنگ داخلی لبنان بود در حالی که فلسطینی ها همیشه کوشش می کردند که وارد این جنگ نشوند. مسلمانان در لبنان تلاش می کردند که بگویند این جنگ جنگ بین مسلمانان و صهیونی نیست. بین لبنانی ها و فلسطینی ها توسعه بلکه بین یک اقلیت صفت خور وابسته به غرب و اسرائیل است. و اکثریتی محروم و مستضعف. بنابراین جنگ در لبنان جنگ بین اصحاب حق و اصحاب باطل است. به دلیل قدرتی که فلسطینی ها داشتند و در سازمانهای

سازمانهای نیروهای ملی لبنان و انقلابیون فلسطین را می کشید کوشش کردند به برای این که خودشان به جنگ و درگیری کشیده بشوند. نیروهای منفرد و ایگه لبنانی را سازمانهای سازمان فلسطینی کشید و آنان را مسلح نمایند. این جنگ سال ها طول کشید. هر کاری که از دست فالانژها و همبستاشان ساخته بود انجام می دادند که فلسطینی ها را به جنگ بکشاند. آنها در ضمن روایت می کردند ظرافت و سرافرازی از برخی با حرارت جنگیدند.

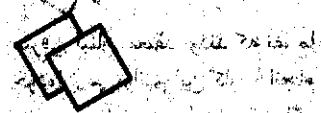
● در این اتفاق در سال ۱۹۷۸ اتفاق که مقدمات مذاکرات کنفرانس ملی ملل و مذاکرات اسلام بود در نهایت وضع در لبنان شکسته شد. تقسیم نیروها جنگ فرسایشی انطباق فرط ملی ارتش لبنان می دادند که ارتش به نام ارتش عربی لبنان به وجود آمد به فرماندهی شخصی به نام احمد الخطیب که اینها طرفدار نهضت ملی لبنان شدند. حتی در جریان ارتش لبنان هم که قرار بود به عنوان وسیله سر کوبی علیه نهضت ملی لبنان از آن استفاده بشود. فالانژها ایجاد شد. بنابراین وجه تمایز بسیار مختصر مابین برای ارتجاع در لبنان به وجود آمد. من در سخنرانی خود در حسینیه ارشاد گفتم که کشش های زیادی به بنوی چونیه آمد بودند که طرفداران غرب و هندستان اسرائیل بازار لبنان باز کنند و بیرون نزدیک بود اتفاق یکسره به دست نیروهای نهضت ملی لبنان و نیروهای جزئی بنشیند. از سوی دیگر به عنوان دفاع از اقصای فلسطین لبنان و دفاع از مردم ارتش کشور سوریه آمد و در بین نیروهای ملی لبنان انشماره ایجاد شد. بعضی از نیروهای نهضت ملی لبنان به دلیل ارتباطاتی که با سوریه داشتند همراه با سوریه شدند و می گفتند این وضع عاقبتی ندارد و باید سوریه دخالت کند و این ارتش را برقرار کند و جنگ داخلی را پایان دهد ولی بسیاری از نیروهای

شکل اول کارنامه حرفات  
شخصی بیخبر که حقوقی و  
شخصی که یک مخالف را قطع  
کرد و باقی را قتل آلود  
نیروهای مسلح و انقلابی  
ایم و بعضی از مخالفین حرفات  
و انقلابی را به تمام اینها  
التماس می نمودند و انقلابی  
فلسطینی را به تمام اینها  
حقوقی آنان را قطع کرده  
شخصی که باقی را قتل آلود  
نیروهای مسلح و انقلابی  
ایم و بعضی از مخالفین حرفات  
و انقلابی را به تمام اینها  
التماس می نمودند و انقلابی  
فلسطینی را به تمام اینها



جزئی لبنان معتقد بودند که نه ما  
خودمان می توانیم این کار را انجام  
دهیم و نیروهای همسایه اگر  
می خواستند نباید و آرامش را برقرار  
کنند باید وقتی می آمدند که مردم در  
تسلخ در گرفتند در کل ارتش و هر  
جایی به دست فالانژها قربانی و  
قصابی می شدند. چرا آن وقت با  
وجودی که خیلی از نیروهای لبنانی  
در خواست کمک کرده بودند نامتد  
و آن وقتی که ارتجاع لبنان تحت فشار  
قرار گرفته و در حال انحصار است  
می خواهند وارد شوند که این در حقیقت  
کمک به نهضت ملی لبنان نیست و  
خیلی از نیروهای لبنانی هنگام ورود  
ارتش سوریه به لبنان خطاب به حاکم  
اسد می گفتند اینجا لبنان است نه  
جولان شما اگر نیرو قاری ببر جولان  
را آزاد کن  
بعضی از نیروهای سوریه که می گفتند  
الان در جولان اسد می لبنان  
وقتی که ارتش سوریه آمد باعث  
یک ارتش در لبنان شد اما چه  
آرامش آ به نظر من صریح مهلکی بود  
که بر بدنه نهضت ملی لبنان و انقلاب  
فلسطین وارد شد

برای اولین بار این شانس  
برای فلسطینی ها  
به وجود آمده بود که یک  
کشور عربی در آن  
سازمان نروژی  
چهار انقلاب را نسبت به  
اسرائیل داشته بودند  
بخودند و عدولت به نسبت  
بندبازی ها و مانع باری ها  
و سیاست کاری ها که  
برای مردم های عربی در آن  
آن بودند و اما یک جنبه  
خالص و مخلصی علیه  
اسرائیل به وجود بیاورند



اسد رسماً به سازمان آزادیبخش  
گفت که شما در جنوب لبنان عملیات  
علیه اسرائیل انجام می دهید اسرائیل  
و آکنش آن را به دولت ما که  
موسسه های رسمی داریم وارد  
می آورد شما موسسه های ندارید  
پس این باید کنترل بشود  
من تصور می کنم که قضیه از این  
عمیق تر است. برای اولین بار این  
شانسی برای فلسطینی ها به وجود آمده  
بود که یک نیروی مردمی در یک  
کشور عربی که حساس ترین موقعیت  
جغرافیایی را نسبت به اسرائیل دارد  
پیوند بخورند و دست به دست هم  
بدهند و به دور از بندبازی ها و  
باندبازی ها و سیاست کاری ها که  
رژیم های عرب غرق در آن بودند و اما  
یک جنبه خالص و مخلصی علیه  
اسرائیل به وجود بیاورند. ارتش سوریه  
این شانسی را از بین برد و بعد از این  
قضیه است که عرفات و نیروهای  
سازمان آزادیبخش فلسطین به این  
نتیجه رسیدند که مقاومت در خیابان

چنان افکار و باید واقفیت های عینی را  
هم لحاظ کرده بسیاری از طرفداران  
همه شانسی را نسبت به گفتنی او را  
بنا بر یک کار و حتی خلق خواهند  
به خصوص آنها که فلسطینی ها را  
داشتند، مانند بسیاری از انقلابی ها  
ایران که فلسطین را، نقاره جیمه یا لوی  
فلسطین را در دست ایدو و آنجا در  
فریبون های فلسطین او را ختمیم به  
خفتند و ساز و کاری کردند که این  
نمی خواهم از همه کار های عرفات  
دفاع کنم، از تمام کار های عرفات  
نمرا شود دفاع کرد تا این که با  
فلسطینی تر از عرفات با کتولی کتولی  
از آنها با شبهه اموزی مخالف است  
عرفات را یکی بزنیش گمانند مردم جز  
این که عرفات را این مانع ترایی ها و  
تواضع ها و القوه ها هستند که برای  
انقلاب فلسطین گذاشته اند و فلسطینی  
باید بیاید از همین این راه چو راهی  
نبرد که مشخص عرفات را پیشین برد کرده  
باشد و از روی انقلاب فلسطینی  
تصویر کرده باشد. عرفات را از فلسطین  
فلسطینی خصیصه است. بنابراین  
فلسطینی بود در فلسطین ساخته می شود  
به او زنده بود که مرده ای می گویم ما  
فکر می کنیم عرفات یک دیکتاتور  
تمام حیا بوده فلسطین می گویند که  
امروز با آقای افکارا با آزادی بخش  
بله و نسبت به هر کس هم که  
مخالفش بود دیکتاتور می دانند و او را  
صادر می کردند فلسطینی فلسطینی  
وجود ندارد در پوز و سلول و کثرت می  
نادید در ۱۹۴۷ بر اساس رایزنی و  
مشاوره ای که همه در آن زمان  
مقاومت انجام گرفتیم بر نهایت نهان  
چیزی انجام ندادیم که تا آن زمان  
طرح ساختن یا چه کنیم از آنجایی  
تصمیمات مجربه با رایزنی فلسطینی  
بود یعنی آن که آن که فلسطینی  
فلسطین را این راه رفتند و چو  
چو می گذاردیم فلسطینی ها به این  
چگونگی نسبت ما را دیدیم از افکار  
کویت بود فلسطینی ها به این  
● خبر تهی از آن بود اینجاست  
کتاب این مکر بود و بی شکست ایانو

برای این که همه کتب فلسطین را در دست  
یا اصل خود در ۱۹۴۷. برای کتاب  
به کارهای جنگ فلسطین لبنان و کما بله  
بزرگ برای فلسطینی ها بود  
فلسطینی ها خوششان را از این و مقام  
بیرون کشیدند و طوری که نباید  
فلسطینی ها از این من افکار را به خارج  
لبنان و بحر لبنان با اسرائیل در این  
انتخابات توفیقی که باز همان انقلاب  
فلسطینی داشتند به هر کس بیروزی  
چشمگیر خدمت به فلسطینی ها  
دعا کتبی از کتبی سوزنا که لبنان این  
هر روزی تا که مالک عید از این انقلاب  
روز به روز فشار علیه فلسطینی ها  
زیادتر آمد. هر کتبی فلسطینی ها  
مشکله کمتری بود و بی شکست ایانو  
کتب برای عربی و کتبی  
● کتاب دین اول در چه سال  
بود که کتبی در فلسطین  
در سال ۱۹۴۸ بود این کتبی  
مکتب را پیش و پس کرده بود وضع  
از آن هم مشخص بود. همان هم که  
یک بار کتبی فلسطینی بود به این صورت  
برآمد در ۱۹۴۷ فلسطینی یک جنبه  
همه بر لبه و گسترده علیه لبنان انجام  
دادند و هیچ به هیچ کاری اتفاق نیافت  
مؤشک نیست و می توان کرد تا آن که  
به بیروزی نسبت اعیان فلسطینی  
هر روزی و این کامل انقلاب فلسطینی  
از این زمان بود. فلسطینی ها می توان  
کشتن شدند و بنابر توافق که میان  
جوانی و جوانی و اراضی صورت گرفته  
بود به عنوان رفتند در آنجا محقر  
شدند بود اکثر فلسطینی ها در  
دوم به دولت خود گردان این فلسطینی  
کتابش اولی مکر بود ۱۹۴۷ بود  
فلسطینی ها جز از زمان ایلان  
گرفته که بیرون به مفاکر و به معنی او  
در این وضعیت دشوار و شکست های  
که قرار گرفتند همه در فلسطین  
و قدرت های عربی و برخی علیه اتفاق  
همیشه اگر هم کشورهای اسرائیل  
ایران به ایسان فلسطینی من کنند  
دستشان خلقی است و بی جایی من  
توسعه نمی تواند در عمل کاری  
انجام دهند ولی این روزمان با

بنا گونا گوه یک افکار فلسطینی هم خدمت  
زند و آن انقلابیه بود اگر یادتان باشد  
انتخابات اول هشتم جولای ۱۹۴۸  
اتفاق افتاد این انتخابات برای فلسطین  
اساسی مرحوم ابو جیاد بود از او جهاد  
به عنوان مسئول مسئول بخش داخل در  
چاووس سازمان آزادیبخش فلسطین  
و در جنبش الفتح تمام هم و غم خود  
را مسلوب به برجسته کردن موجودیت  
مقاومت و مبارزه در فروغ فلسطین  
کرد. جنبش فلسطین در داخل  
فلسطین چند کار مهم انجام داد یکی  
آن که نیروهای یهودی و اسرائیلی را  
که علیه دولت اسرائیل و سیاست جهانی  
توسعه طلبانه صهیونیسم فعالیت  
می کردند برجسته کرد و کمک کرد  
تا آنها اجزا وجود کنند می دانید که  
در داخل اسرائیل جنبش ها و اجزایی  
در مقابل رژیم اشغالگر اسرائیل مقاومت  
می کردند در داخل و خارج فلسطین  
آنگون و دیگری جز به آراکله بود  
بنامی از روشنفکران در حزب رزکله  
عضو بودند و معتقد بودند فلسطینی ها  
حرف درستی می زدند. در حقیقت یک  
میلون و دویست هزار نفر یهودی  
شهروند اسرائیلی و طرفدار آزادی های  
عرفات اند. یک جنبش دیگر یهودی  
موسوم به ماتسین هم بود که نام  
فلسطینی را نمی دانند. آنان نیز معتقد  
بودند که ما باید از این سرمایه و  
گسترش می که به آن دچار شدیم  
دست برداریم چرا ما این خواهیم  
هنه چیز را از عین صهیونیسم بزنیم  
و بگویم که ما فرزندان برقر و برگزیده  
خدا هستیم و دیگران را که خدا به  
شکل ما خلق کرده برای این است که  
لذات نوبری ما را داشته باشند ما  
باید از این افعال دست برداریم باید  
یک کشور دموکراتیک به وجود بیاوریم  
و همه با هم بتوانیم زندگی کنیم. در  
این بخش فلسطینی ها خیلی کار  
گرفتند. دو خانم وکیل به نام های  
والتسیا لانگر و لویه تسهر که وکیل  
دادگستری بودند در بسیاری از موارد  
مناظر نیروهای فلسطینی شدند و از  
فلسطینی هایی که به جرم عمل



استحبابی با حمل مواد منفجره به ترفیق  
می افتادند. هاج می کردند، غازی لانگر  
به صافرت دور دنیا رفت و کت  
سفرهای های خود گفت که حق با  
فلسطینی ها است. هر حال که خود  
یهودی و شهروند اسرائیل بود، وی  
به عقاید فلسطینی ها جز امر مبارزه  
سلسله ای علیه استالگری معتقد شده  
بود و این را در خیلی از کشورهای  
اعلام می کرد. تعدادی از یهودیان  
فردی و گروهی حتی عضو افتخار  
بودند و پدر الفیچ و مادر ساریلی  
دیگر فعال بودند. یوسف میدام و  
گودی اودیف نیز که خود یهودی  
بودند همزمان با یهودیانش انقلاب اول  
عضو هم که هائی چریکی و پارترلی  
شدند. و هنگام دستگیری شان  
بیروتی های یهودی برپا شد. یوسف  
میدام عضو نیروی نظامی اسرائیلی  
بوده ولی به نفع فلسطینی ها کار  
می کرد. بسیاری از شخصیت های  
میچون در داخل الفیچ بودند و در  
سازمان یهودی فلسطینی فعالیت  
می کردند. مثل اسقف کلویچ، یا  
لیفچه لورنر و غیره. اینها کسانی بودند  
که در امر مبارزه علیه حکومت اسرائیل  
در الفیچ فعالیت می کردند. ایشان از  
رفتن فلسطینی ها به تونس نیز موافق  
نیو بود. نقش اساسی در ایجاد  
شبهکمی مقلوبیت و بلاتکلیفی و  
سلب مانده نیروهای مبارز در داخل  
بیروتی های اشغالی داشت که  
در نهایت هم منتهی به انتقام اول  
شد.

در اینجا این خواهیم به تکلیفی  
لشاره کنیم. آن این است که بسیاری  
از دوستان به اعتراض و برافش و  
حکومت کردن، مفاخره یا اسرائیل جابت  
داشتند و برای این هم دیواری کوتاه تر  
از عرفان و فلسطینی ها پیدا  
نمی کردند و می کردند که اگر به  
عرفان فحش بدهند یا او را متهم  
کنند، هر نهی هم ندارد و این یکی  
از تکلیف های اساسی است که باید در  
این نوعی آورده باشد بشود. اگر  
هوشی همه به عنوان رهبر جنبش

ضد استالگری، من جنگی می جنگید  
داشت که روی آن باشند و مقوم  
کند. اگر در خیال او جاهای دنیا  
کسانی می جنگیدند و مبارزه و  
مقاومت می کردند، دارای سرزمین  
بودند که در آن سرزمین عده و  
عدشان را قرار بدهد و آنرا تحت حمله  
گیرد. با هم اگر ۸ سال علی ارتش  
عراق جنگی به کشوری به پایتوری  
ایران داشتیم، اما فلسطینی ها چه به  
نظر من یکی از مهمانی که عرفان  
کرد این بود که بدون در اختیار داشتن  
حتی یک وجب از خاک فلسطینی،  
انقلاب فلسطینی را به پیروزی  
توانستند بر نیاورد. چار میزاولت  
خستکی نامور و انا جهاد مستمر و  
مقاومت ناموری و خون جگر هائی که  
خورد و رشک های که ملت فلسطینی  
از خودشان برور خاند به بخش از  
سرزمین فلسطینی دست پیدا کند  
این که ما می خواهیم کسی را که در هیچ  
کشور بیادونی اسرائیل امکان فعالیت  
سازمانی و هر یکی علیه دولت اسرائیل  
به او نمی دهند و هر جا که شمس از او  
وجود داشته باشد حاضرند آن را به مصاد  
و سیال (CIA) بفرستند و سایه اش را با  
تیر بزنند. محکوم کنیم و حتی بفرستند  
حرفی از میریل برتی و کسین کتا  
گود است. اگر چنین رهبری نمی به  
مفاخره بدهد و از نیروی ناچار بیگانه  
حالا که نمی توانیم به همه سرزمین  
خود دست بدهیم دست کم به بخش  
از آن جنگی برویم و هر یکی اصل  
عقلانی حق بدهد، منتزاع خیانت  
نیست. این منافع و طمع فریبش او  
سازش نیست و هر حال عرفان در روز  
اول که شروع به مبارزه کرد، ضرره یا  
دیگر انقلابیون فلسطینی هدفش این  
نبرد که در رام الله دولت خودگردان را  
تشکیل بدهد او همه جا را تشکیل  
بک دولت دموکراتیک فلسطینی در  
فلسطین سرزمین فلسطینی. سخن  
من گفتن این را از اولی روزی وی بود  
اما واقعیت های موجود نشان داد که این  
از طرفی روزی حقیقی پیدا کند همه  
سرفی که برای عربی که در آن فلسطینی

نمی کند و آن فلسطینی است. عرفان  
سالی ها نمی توانست به ضروری این  
ضرر و مزایا برود. آیا اگر این برهان  
فلسطینی به این نتیجه برسد که  
براساس یک مفاخره یک امر واقع را  
می پذیرد و البته پذیرش این امر واقع را  
هم به تصویر نگه داری فلسطینی ها که  
نمیاید گی املات فلسطینی را در محکوم  
کنند خرابی است؟  
این دو جنبه امر واقع است که  
یکی از مسائل این برهان است و یکی  
نمیاید. ولی آنها سوکارشان هستند  
تلافی عرفان را می کنند و قول می  
نشدند.



فلسطینی ها برای فلسطینی ها  
بشدت دموکراتیکان در حق در خود  
سازمان از فلسطینی فلسطینی سخن  
گویند. علیه اشخاص در فانی و  
سلبت علی عرفان را می نماید و  
پیش با انتقام به نظر می بود. چند سال  
پیش آقای علوی شوقی که می توان  
بیانست چارچوب سازمان از فلسطینی  
فلسطینی بودند و در خارج دولت  
خودگردان فلسطینی شده به عنوان آمده  
بود و با ایشان نشست در موسسه  
الکارات در دفتر کار آقای دعایی





پزدغفکه را هدایت کند. اگر عرفات  
یک نام تکبر و خودیز و گیسین و متکبر  
بودی به طور طبیعی نمی توانست این  
همه سال این رهبری را ادامه بدهد.  
تفاوتی ابوخیار زنده بود بین کوشش  
کرانه بودم - که در حفاست های  
مختلن که پیش می آمدن رفتن به این  
صورت ترمیم و به عنوان یک معلق از  
او سخن بگویم ابوخیار برای شهادت  
و ایضا در تاریخ عرفین می گوییم از طرف  
مستولین اینان عرفات شهادت  
سازش، خلیف و خدمت با اسرائیل  
می شده به چه دلیل؟ در جلال این که  
بهش از آقایان در تهران معتقد بودند  
که عرفات باید با آخر با اسرائیل بچنگ  
و چیز مذکور با آتش بزند. گفت و گو  
را باید نازیده بگیرد. این آقایان با پیش  
از هزار کیلومتر فاصله در تهران  
نشسته بود برای عرفات خط و ربط  
تعیین می کردند چه کسی اصولاً به  
ما این حق را می دهد که فکر بکنیم  
معیار بعضی در دست از نادرست ما  
هستیم و یکس دیگر نیست چه  
چیزی باعث می شود که ما فکر کنیم  
فلسطینیان نیز از عرفات هستند و چه  
اینی این توهم در حمله وجود آورده  
که فکر کنیم که این ما هستیم که  
باید برویست فلسطینی و فلسطینی ها  
را بشناسیم و بگویم بر نامه کار و عمل  
یوانی فلسطینی و انقلاب فلسطینی  
تعیین کنیم؟ آیا این غیرطبیعی نیست  
که یک سیاستمدار فلسطینی هم  
رام الله بنشیند و بگوید که با ایران بود  
مسئله NPT بگوید برادران ایرانی  
بیایند به این شیوه عمل کنید یا اینکه  
مقاومت کنید یا بگویند ما اصلاً حاضر  
نیستیم غنی سازی را متوقف کنیم و  
تا آخرین نفس ما تا آخرین نفوذ  
می جنگیم آیا کسی حق دارد در رابطه  
با شهید ایران با خودیها نظر بگوید  
توفیق علما یک حکایت است شما ایلات  
با اتحاد جماهیر شوروی پنجاه پنجاه  
بودید. این اتحاد جماهیر شوروی است  
که تکه تکه شده این کشورهای  
مستقل شده از شوروی هستند که باید  
آن پنجاه درصد را بین خودشان تقسیم

کنند. پنجاه درصد ایرانی هر چو این  
است. معجزه فلسطینی مقاومت شده  
نهر ایدید. بترسید. اگر یک قدم  
عقب نشینی کنید فتنه فتنه نهیید آیا  
این فتنه دار نیست که میانسازان  
در رام الله بنشینند و برای دولت مردان  
ایران تصمیم بگیرند؟ ما نیز نمی توانیم  
این اجازه را بدهیم که کسی را  
که به نمایندگی از یک ملت آواره  
مذکور می کند محکوم به خیانت کنیم  
یا او را مرده و میز شکار بخوانیم باید  
بفهمیم و حرکت کنیم که جانتها و  
دولت مردان دیگر هم به اندازه ما منافع  
ملی شان را بچینند می گیرند و بگذرد  
مسائل خودشان را در فلسطین  
فلسطینیان را از فلسطینی ها احلام گرفتارند که  
عرفات جز او و فلسطینی حرفه شده و  
وضعیت کرده است که در بیت المقدس  
هم به خاک سپرده شده ولی  
اسرائیلی ها با فاصله و آتش نشان  
دادند و آنها کردند که در مورد مصر  
بوده است. این به چه خاطر برآید یا برآید  
این نیست که خودشان را با این دیگر  
مفوله شد با فتنه  
● خولران برادران و خواهرزاده های  
عرفات زنده هستند در این که عرفات  
دو بیت المقدس به دنیا آمده شکن  
نیست همه می تلند است و برادرانش  
مشخص است عرفات در بیت المقدس  
و فلسطین به دنیا آمده و خولران فلسطینی را  
هم در فلسطین گذرانده است اما پس از  
دوران ابتدایی به قاهره می رود و بعد  
همین دلیل هم بود که عرفات تقریباً  
با آنچه مصری حرف می زدیم  
لهجه اش به مصری ها شباهت  
زودتر بود تا خود فلسطینی ها و  
دوران دانشگانی خود را نیز در مصر  
گذرانده است. با کمال تأسفا  
بخشی هایی از زندگی عرفات خیلی  
روشن نیست اما این گفته که با دنیا  
آمده، پدر و مادرش به کسلی از او  
تخصیلاتش چه بوده معلوم نیست  
به خصوص خولران تا پیش از این در  
قاهره خیلی مشخص و معلوم است  
بلافاصله همزمان با مرگ عرفات  
شایعات عجیب و غریب پخش شد

که از فلسطینیان فلسطینیان را  
و اغیاران و فلسطینیان را روشن به  
قدرت های جهانی دارند سر چشمه  
من گرفتار و متأسفانه از میانه ملن  
جمهوری اسرائیل نیز آگاهانه به  
ناگاهانه تکرار می شد. رسانده این  
سخن و اثر بوق و آبرو می گرفته که  
عرفات در فلسطین به دنیا آمده بلکه  
در قاهره متولد شده است و دیگر  
تولید می بود که در رابطه با تکرار این  
هنگفت عرفات دو حجتان اصلی  
همسرش مطرح می کردند. حجت  
ششمین کتب می گفت که فلسطینی ها  
به دستور عرفات در عراق علیه  
ایرانی ها می جنگیدند. بلافاصله از  
هر وسیله ای می خواستند استفاده کنند  
که به نفعی از آنها نفعی حسودین  
عرفات یا سیاستمداران دولت اسرائیل  
را نشان دهند. اظهار عجز و خوارگی  
که کسی همین حرف زنگفت به او  
گفتند که فلسطینیان امروزه کاین ملن هم  
بودند که در کنار طالبان افراطی  
امریکا می جنگیدند نفس خوارگی  
مقایسه کنیم اما این حرف در دست  
نیمت که اگر یک فلسطینی یا  
فلسطینی در معروف اوتش عراق علیه  
ایرانی ها جنگیدند باید بگویند این  
دولت یا سازمان آزادی بخش فلسطینی  
است که با ایران جنگیدند استند هرگز  
از مردم سوریه، یمن، لبنان، تونس،  
مراکش، الجزایر و مصر که بودند  
نیروهای که به صورت متدورنی و  
حتی داوطلبانه آمدند بودند در عراق  
صفوف ارتش بعث علیه ایرانی ها  
جنگیدند و امروز می بینیم این ملن  
نیست که دولت ها نشان هم در جنگ  
با ایران بودند و با این ملن  
● پیشتر رهبران اسرائیل هم  
مفوله اسرائیل بودند  
● البته دلیل اصلی که آنها  
می گفتند عرفات در مصر متولد شده  
هم همین بود آنها می خواهند  
بگویند که این فقط یک تریسم که  
غریب بود بلکه عرفات هم تریسم بود  
من در حسینیه ارشاد هم به عنوان  
نمونه ده نفر از شخصیت های معروف

که فلسطینیان را  
و اغیاران و فلسطینیان را روشن به  
قدرت های جهانی دارند سر چشمه  
من گرفتار و متأسفانه از میانه ملن  
جمهوری اسرائیل نیز آگاهانه به  
ناگاهانه تکرار می شد. رسانده این  
سخن و اثر بوق و آبرو می گرفته که  
عرفات در فلسطین به دنیا آمده بلکه  
در قاهره متولد شده است و دیگر  
تولید می بود که در رابطه با تکرار این  
هنگفت عرفات دو حجتان اصلی  
همسرش مطرح می کردند. حجت  
ششمین کتب می گفت که فلسطینی ها  
به دستور عرفات در عراق علیه  
ایرانی ها می جنگیدند. بلافاصله از  
هر وسیله ای می خواستند استفاده کنند  
که به نفعی از آنها نفعی حسودین  
عرفات یا سیاستمداران دولت اسرائیل  
را نشان دهند. اظهار عجز و خوارگی  
که کسی همین حرف زنگفت به او  
گفتند که فلسطینیان امروزه کاین ملن هم  
بودند که در کنار طالبان افراطی  
امریکا می جنگیدند نفس خوارگی  
مقایسه کنیم اما این حرف در دست  
نیمت که اگر یک فلسطینی یا  
فلسطینی در معروف اوتش عراق علیه  
ایرانی ها جنگیدند باید بگویند این  
دولت یا سازمان آزادی بخش فلسطینی  
است که با ایران جنگیدند استند هرگز  
از مردم سوریه، یمن، لبنان، تونس،  
مراکش، الجزایر و مصر که بودند  
نیروهای که به صورت متدورنی و  
حتی داوطلبانه آمدند بودند در عراق  
صفوف ارتش بعث علیه ایرانی ها  
جنگیدند و امروز می بینیم این ملن  
نیست که دولت ها نشان هم در جنگ  
با ایران بودند و با این ملن  
● پیشتر رهبران اسرائیل هم  
مفوله اسرائیل بودند  
● البته دلیل اصلی که آنها  
می گفتند عرفات در مصر متولد شده  
هم همین بود آنها می خواهند  
بگویند که این فقط یک تریسم که  
غریب بود بلکه عرفات هم تریسم بود  
من در حسینیه ارشاد هم به عنوان  
نمونه ده نفر از شخصیت های معروف

فلسطینیان را روشن به  
قدرت های جهانی دارند سر چشمه  
من گرفتار و متأسفانه از میانه ملن  
جمهوری اسرائیل نیز آگاهانه به  
ناگاهانه تکرار می شد. رسانده این  
سخن و اثر بوق و آبرو می گرفته که  
عرفات در فلسطین به دنیا آمده بلکه  
در قاهره متولد شده است و دیگر  
تولید می بود که در رابطه با تکرار این  
هنگفت عرفات دو حجتان اصلی  
همسرش مطرح می کردند. حجت  
ششمین کتب می گفت که فلسطینی ها  
به دستور عرفات در عراق علیه  
ایرانی ها می جنگیدند. بلافاصله از  
هر وسیله ای می خواستند استفاده کنند  
که به نفعی از آنها نفعی حسودین  
عرفات یا سیاستمداران دولت اسرائیل  
را نشان دهند. اظهار عجز و خوارگی  
که کسی همین حرف زنگفت به او  
گفتند که فلسطینیان امروزه کاین ملن هم  
بودند که در کنار طالبان افراطی  
امریکا می جنگیدند نفس خوارگی  
مقایسه کنیم اما این حرف در دست  
نیمت که اگر یک فلسطینی یا  
فلسطینی در معروف اوتش عراق علیه  
ایرانی ها جنگیدند باید بگویند این  
دولت یا سازمان آزادی بخش فلسطینی  
است که با ایران جنگیدند استند هرگز  
از مردم سوریه، یمن، لبنان، تونس،  
مراکش، الجزایر و مصر که بودند  
نیروهای که به صورت متدورنی و  
حتی داوطلبانه آمدند بودند در عراق  
صفوف ارتش بعث علیه ایرانی ها  
جنگیدند و امروز می بینیم این ملن  
نیست که دولت ها نشان هم در جنگ  
با ایران بودند و با این ملن  
● پیشتر رهبران اسرائیل هم  
مفوله اسرائیل بودند  
● البته دلیل اصلی که آنها  
می گفتند عرفات در مصر متولد شده  
هم همین بود آنها می خواهند  
بگویند که این فقط یک تریسم که  
غریب بود بلکه عرفات هم تریسم بود  
من در حسینیه ارشاد هم به عنوان  
نمونه ده نفر از شخصیت های معروف

فلسطینیان را روشن به  
قدرت های جهانی دارند سر چشمه  
من گرفتار و متأسفانه از میانه ملن  
جمهوری اسرائیل نیز آگاهانه به  
ناگاهانه تکرار می شد. رسانده این  
سخن و اثر بوق و آبرو می گرفته که  
عرفات در فلسطین به دنیا آمده بلکه  
در قاهره متولد شده است و دیگر  
تولید می بود که در رابطه با تکرار این  
هنگفت عرفات دو حجتان اصلی  
همسرش مطرح می کردند. حجت  
ششمین کتب می گفت که فلسطینی ها  
به دستور عرفات در عراق علیه  
ایرانی ها می جنگیدند. بلافاصله از  
هر وسیله ای می خواستند استفاده کنند  
که به نفعی از آنها نفعی حسودین  
عرفات یا سیاستمداران دولت اسرائیل  
را نشان دهند. اظهار عجز و خوارگی  
که کسی همین حرف زنگفت به او  
گفتند که فلسطینیان امروزه کاین ملن هم  
بودند که در کنار طالبان افراطی  
امریکا می جنگیدند نفس خوارگی  
مقایسه کنیم اما این حرف در دست  
نیمت که اگر یک فلسطینی یا  
فلسطینی در معروف اوتش عراق علیه  
ایرانی ها جنگیدند باید بگویند این  
دولت یا سازمان آزادی بخش فلسطینی  
است که با ایران جنگیدند استند هرگز  
از مردم سوریه، یمن، لبنان، تونس،  
مراکش، الجزایر و مصر که بودند  
نیروهای که به صورت متدورنی و  
حتی داوطلبانه آمدند بودند در عراق  
صفوف ارتش بعث علیه ایرانی ها  
جنگیدند و امروز می بینیم این ملن  
نیست که دولت ها نشان هم در جنگ  
با ایران بودند و با این ملن  
● پیشتر رهبران اسرائیل هم  
مفوله اسرائیل بودند  
● البته دلیل اصلی که آنها  
می گفتند عرفات در مصر متولد شده  
هم همین بود آنها می خواهند  
بگویند که این فقط یک تریسم که  
غریب بود بلکه عرفات هم تریسم بود  
من در حسینیه ارشاد هم به عنوان  
نمونه ده نفر از شخصیت های معروف

فلسطینیان را روشن به  
قدرت های جهانی دارند سر چشمه  
من گرفتار و متأسفانه از میانه ملن  
جمهوری اسرائیل نیز آگاهانه به  
ناگاهانه تکرار می شد. رسانده این  
سخن و اثر بوق و آبرو می گرفته که  
عرفات در فلسطین به دنیا آمده بلکه  
در قاهره متولد شده است و دیگر  
تولید می بود که در رابطه با تکرار این  
هنگفت عرفات دو حجتان اصلی  
همسرش مطرح می کردند. حجت  
ششمین کتب می گفت که فلسطینی ها  
به دستور عرفات در عراق علیه  
ایرانی ها می جنگیدند. بلافاصله از  
هر وسیله ای می خواستند استفاده کنند  
که به نفعی از آنها نفعی حسودین  
عرفات یا سیاستمداران دولت اسرائیل  
را نشان دهند. اظهار عجز و خوارگی  
که کسی همین حرف زنگفت به او  
گفتند که فلسطینیان امروزه کاین ملن هم  
بودند که در کنار طالبان افراطی  
امریکا می جنگیدند نفس خوارگی  
مقایسه کنیم اما این حرف در دست  
نیمت که اگر یک فلسطینی یا  
فلسطینی در معروف اوتش عراق علیه  
ایرانی ها جنگیدند باید بگویند این  
دولت یا سازمان آزادی بخش فلسطینی  
است که با ایران جنگیدند استند هرگز  
از مردم سوریه، یمن، لبنان، تونس،  
مراکش، الجزایر و مصر که بودند  
نیروهای که به صورت متدورنی و  
حتی داوطلبانه آمدند بودند در عراق  
صفوف ارتش بعث علیه ایرانی ها  
جنگیدند و امروز می بینیم این ملن  
نیست که دولت ها نشان هم در جنگ  
با ایران بودند و با این ملن  
● پیشتر رهبران اسرائیل هم  
مفوله اسرائیل بودند  
● البته دلیل اصلی که آنها  
می گفتند عرفات در مصر متولد شده  
هم همین بود آنها می خواهند  
بگویند که این فقط یک تریسم که  
غریب بود بلکه عرفات هم تریسم بود  
من در حسینیه ارشاد هم به عنوان  
نمونه ده نفر از شخصیت های معروف

فلسطینیان را روشن به  
قدرت های جهانی دارند سر چشمه  
من گرفتار و متأسفانه از میانه ملن  
جمهوری اسرائیل نیز آگاهانه به  
ناگاهانه تکرار می شد. رسانده این  
سخن و اثر بوق و آبرو می گرفته که  
عرفات در فلسطین به دنیا آمده بلکه  
در قاهره متولد شده است و دیگر  
تولید می بود که در رابطه با تکرار این  
هنگفت عرفات دو حجتان اصلی  
همسرش مطرح می کردند. حجت  
ششمین کتب می گفت که فلسطینی ها  
به دستور عرفات در عراق علیه  
ایرانی ها می جنگیدند. بلافاصله از  
هر وسیله ای می خواستند استفاده کنند  
که به نفعی از آنها نفعی حسودین  
عرفات یا سیاستمداران دولت اسرائیل  
را نشان دهند. اظهار عجز و خوارگی  
که کسی همین حرف زنگفت به او  
گفتند که فلسطینیان امروزه کاین ملن هم  
بودند که در کنار طالبان افراطی  
امریکا می جنگیدند نفس خوارگی  
مقایسه کنیم اما این حرف در دست  
نیمت که اگر یک فلسطینی یا  
فلسطینی در معروف اوتش عراق علیه  
ایرانی ها جنگیدند باید بگویند این  
دولت یا سازمان آزادی بخش فلسطینی  
است که با ایران جنگیدند استند هرگز  
از مردم سوریه، یمن، لبنان، تونس،  
مراکش، الجزایر و مصر که بودند  
نیروهای که به صورت متدورنی و  
حتی داوطلبانه آمدند بودند در عراق  
صفوف ارتش بعث علیه ایرانی ها  
جنگیدند و امروز می بینیم این ملن  
نیست که دولت ها نشان هم در جنگ  
با ایران بودند و با این ملن  
● پیشتر رهبران اسرائیل هم  
مفوله اسرائیل بودند  
● البته دلیل اصلی که آنها  
می گفتند عرفات در مصر متولد شده  
هم همین بود آنها می خواهند  
بگویند که این فقط یک تریسم که  
غریب بود بلکه عرفات هم تریسم بود  
من در حسینیه ارشاد هم به عنوان  
نمونه ده نفر از شخصیت های معروف



اسرائیل بسته از موسسان سازمان تروریستی هاگلا و هشومیر است. بن تسوی سه دوره در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و رأی آورده است. این شخص هم تبعه و متولد اوکراین بوده. همون پرز یا شموون پرز چهار نام اشناهی عرصه سیاست در حکومت در اسرائیل با تالیان گراز همان طور که می دانید پست های حساسی از قبیل وزیر ارتباطات و وزیر تبلیغات نخست وزیر و از همه مهم تر از عناصر اصلی و موثر در پروژه ساختن بمب اتمی در اسرائیل بوده اند. وی نیز تبعه کشور روسیه (رومیبه سفید یا بلاروس) است. شخصیت دیگری که باز از رهبران پرده بسته اسرائیل است آقای زابوتسکی بود که پدر منویچ جزیان رئیس افراسی در جنبش صهیونیستی و باز از بنیانگذاران سازمان تروریستی ایپسل است. ایشان تبعه روسیه و متولد اودیسه روسیه است. مناخیم بگین شاکرد و مرید زابوتسکی از رهبران سازمان تروریستی ایپسل نیز تبعه و متولد لهستان است. گفتنی است که سازمان فحمت فرمیل بگین نخستین سازمانی بود که اقدام عملیات تروریستی علیه اتوبوس های حامل اعراب را انجام می داد. یعنی متفکر انفجار اتوبوس های یونجه بسته متاخر بگین بود. آنان می خوانندتد حرب ها را فراری بدهند و مجبور به کوچ و مهاجرت نمایند. موشه شارید از رهبران جنبش صهیونیستی و نخستین وزیر خارجه اسرائیل و هوشن نخست وزیر دولت اسرائیل نیز تبعه و متولد اوکراین است. خانم گلدامیر از رهبران جنبش کارگری صهیونیستی اولین سفیر اسرائیل در اتحاد جماهیر شوروی سابق و نماینده پارلمان اسرائیل حتی گفتمت بود. مدتی وزیر کار و مدتی نیز وزیر خارجه و در نهایت نخست وزیر دولت اسرائیل شد. ایشان هم تبعه و متولد اوکراین بود. اسحاق شامیر از رهبران گروه تروریستی اکثر و از بنیانگذاران و دست اندکاران

اصلی اتوبوس بیازمان جاسومیر و امین اسرائیلی نماینده پارلمان رئیس پارلمان وزیر خارجه و نخست وزیر بود. آقای اسحاق شامیر هم تبعه و متولد لهستان بود. همان طور که در ابتدای گفت و گو اشاره کردم اسرائیل دولتی است که در دولت فراگیر یهودی ها نبود. اصلاً شالوده اسرائیل این گونه نیست. اسرائیل را یهودی های غربی تسخیر و اداره کردند و هنوز هم چنین است. یهودی های شرقی در اسرائیل شهروند درجه دو هستند و یهودی های فلسطینی نیز اگر شهروند به حساب آید، شهروند درجه سه هستند. کسانی که در اسرائیل حکومت کرده و می کنند متولد کشورهای اروپای شرقی، اروپای غربی، آفریقای جنوبی، روسیه و آمریکا هستند. گفتنی هم که بومی اسرائیل هستند و در اینجا به دنیا آمده اند. بدو برابرشان مسلماً اینجانب بوداند. بدو برابرشان چه بدو برابرشان است؟

● احمد شکاری در یک وبلاگ منجمل که در شبکه آن خوش آب و هوا ترین مناطق ایران است زندگی می کرد و دوران دانشجویگی را در آنجا سپری کرد. او آن عمرش هوا آدم بسیار محترمی بود. شبانه شبانه به خانه می رفت. میخائیل بگین، او طرفدار صهیونیسم و مخالف یهود بود.

● فلسطینی ها چیزی ندارند و آن این است که مخالفت ها و موافقت ها با فلسطینی ها یک محور دارد و آن منافع فلسطینی ها و منافع انقلاب فلسطینی است. کشور شخصی با هم تبار است.

● از شهری کتاب و آفری مانند است؟

● می خورد زندگی احمد شکاری کتاب زیاد نوشته شده و آن این که خودش کتابی نوشته باشد به خاطر نهان است.

● کتاب غریب دارد و من مخالف

میخاج چرا ترجمه نشده است؟

● انقلاب یکی از دلایل مهمی که باعث شد ما با وجود عشق و علاقه به فلسطینی ها، ترک و مخالفت درستی از آنان نداشته باشیم همین است که ارتباط فرهنگی با آنان نداشته ایم. در روزنامه های اصلاح طلب ما در بخش بین المللی به این مسائل کم پرداخته می شد. دلایل این بود که ما بیشتر انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیولی و حتی زبان روسی می دانیم. ولی کم هستند کسانی که زبان عبری و آن هم عبری مدرن بلد باشند. ما همان وقت ها مسائل حول و حوش خودمان را باید گریبان بگیریم و بیشتر منابع انگلیسی و فرانسوی ترجمه کنیم. وقتی که یکی سیاستمدار فلسطینی به ایران می آید با یک سیاستمدار ایرانی انگلیسی حرف می زند و این سیاستمدار ما عربی بلد نیست و سیاستمدار عرب هم فارسی بلد نیست. اینها برآیند آن سیاست های ترافیک کننده ای است که استمرار در بین کشورهای اسلامی بوجود آورده است. یکی نقدی در این باره به دوستان فلسطینی وارد است. بین او و روزی انقلاب فلسطینی ها یک شخصیت امینی را به عنوان نماینده انقلاب فلسطینی او مشرف فلسطینی به ایران اعزام کردند. آقای هانی الحسنی او آدم بزرگی است. با شخصیتی ممتاز و بیشتر یک نیروی اطلاعاتی و امنیتی بود. اگر فلسطینی ها به جای اعزام آقای هانی الحسنی یک نیروی فکری و فرهنگی را می فرستادند، فشارت فلسطینی تبدیل به یک موبسبه فرهنگی می شد که کار فرهنگی و اطلاع رسانی می کرد. تا بحریات انقلاب فلسطینی را از اختیار مردم ایران بگیرد. ما با هانی الحسنی در اوایل سال ۸۰ صحبت کردیم که یک انجمن دوستی ایران و فلسطین تشکیل بشود و به ایشان پیشنهاد کردیم که حتی الامکان نویسندگانی بشود و ترجمان دعوت شده و عضو

این انجمن شوند. چرا که می توانستند نقش سازنده ای در تبیین مسائل فلسطین در ایران داشته باشند. ولی این پیشنهاد به جایی نرسید زیرا آقای هانی الحسنی پیش از آن که دغدغه فرهنگ و اندیشه را داشته باشد دنبال این بود که آدم های سرشناس سیاسی را عضو این انجمن بکند. در عرصه نشر و انتشارات هم جای یک کار تحقیقی و فرهنگی درباره اقوام پیرامون خودمان قطعاً خالی است. چه خوب است که در کنار تحلیل مسائل در اروپا و آمریکا، نشریات ما به مسائل حیاتی و میرمی که در کنار خود ما در کشورهای اسلامی و غربی و در منطقه خاورمیانه می گذرد هم اهمیت بیشتری بدهند و در این زمینه کتاب های خوب ترجمه شود.

● آنها حتمی و جهاد اسلامی اول عضو پارلمان فلسطین بودند و اشعاب کرده با هوز هم جزو پارلمان فلسطین هستند با اصلاً یک پدیده مستقلی می باشد. رابطه مرقات یا آنها چگونه بود؟

● حماس و جهاد اسلامی از اعضای سازمانهایی هستند که عضو سازمان آزادیبخش فلسطین یا P.L.O هستند و در همین دولت خودگردان که آقای عرفات تشکیل داده بود شرکت داشتند. دوم از اعضای دولت خودگردان عضو جهاد اسلامی و حماس بودند. آن ساختار دموکراتیکی که در درون سازمان آزادیبخش فلسطین و در درون دولت خودگردان بود برای ما نا آشنا بود. ما فکر می کردیم اعتراض شیخ شهید احمد یاسین به منای مخالفت با کلیت سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت خودگردان است.

● با تشکر از شما اهدا میم. بحریات انقلاب فلسطین از سوی شما در این نشریه و نشریات دیگر ادامه یابد و به درستی به مردم منتقل شود.